



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقش تربیتی دنیا
از دیدگاه امام علی (ع)

حجة الاسلام اصغر اخوی

(دانش پژوه مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام)

مقدمه

انسان برای هدایت و تربیت خویش نیازمند امکانات مادی زیادی است و خداوند تمامی مواهب دنیوی اعم از زمین و آسمان و هر آنچه را که در این دو وجود دارد، در اختیار او نهاده و نوع استفاده و بهره‌مندی از هر یک از آنها را نیز در برنامه‌هایی که توسط انبیا و اولیای الهی برای بشریت فرستاده است، اعلام نموده تا انسان با بهره‌گیری صحیح از آنها، سعادت دنیا و آخرت خود را تأمین و تضمین نماید.

پس از ظهور دین مبین اسلام و انتشار احکام نورانی آن، مسئله دنیا و آخرت، به عنوان یکی از مباحث کلیدی و مهم رشد و هدایت آدمی، توسط پیامبر بزرگ اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام مورد توجه قرار گرفت و نقش دنیا در پرورش جسم و روح و روان آدمی مطرح شد.

در آموزه‌های دینی، دنیا‌گاهی مورد ستایش قرار گرفته و گاهی مورد مذمت و نکوهش؛ این امر در ابتدا متضاد و متناقض می‌نماید و کسانی که شناخت و آگاهی کاملی از دنیا نداشته باشند دچار حیرت و سرگردانی می‌شوند و نمی‌دانند از مادیات و مواهب دنیوی برای تأمین زندگی خویش استفاده کنند و یا آنها را رها نموده و تنها به فکر زاد و توشه آخرت باشند. این مسئله، مشکلاتی را برای انسان‌ها فراهم ساخته است و امروزه عده زیادی دچار این سردرگمی هستند. آنچه در این مقاله مورد بحث و بررسی اجمالی قرار خواهد گرفت، بخش‌هایی از بیانات و سخنان گهربار مولای متقیان حضرت علی علیه السلام در زمینه «دنیا» است؛ سخنان مردی که خود دارای صفات و ویژگی‌های به ظاهر متضادی است؛ چراکه از یک طرف اسوه تقوا و زهد و پارسایی است و از طرفی دیگر الگوی کار و تلاش توانفرسا در زمینه جهاد، شجاعت، شهامت، انفاق، ایثار و... است.

گفتار و کردار آن حضرت در طول عمر بابرکت‌اش و شیوه برخورد با دنیا، می‌تواند سرمشق مناسبی برای همه باشد تا با تأسی به آن امام همام و بهره‌گیری درست از دنیا، به هدف نهایی خلقت، که همان قرب الی‌الله است، نزدیک شوند و سعادت دنیا و آخرت خویش را با توکل به خدا و توسل به ائمه و تلاش و همت فراهم سازند.

آنچه در این مقاله مورد توجه مؤلف است، نکات مفید و مؤثر تربیتی است که از کلام و رفتار آن حضرت در تبیین دنیا و نقش آن در تربیت انسان‌ها برمی‌آید. امید است گفتار و رفتار امام علی علیه السلام ما را در پیمودن مسیر هدایت و تربیت مدد رساند.

در ادامه، ابتدا به تعریف دنیا می‌پردازیم و سپس کلام امام را درباره ستایش و نکوهش دنیا مطرح نموده و پس از آن برداشت‌های تربیتی را از کلام آن حضرت ارائه می‌نماییم و در پایان توصیه‌هایی را برای اولیا و مربیان گرامی مطرح می‌کنیم.

دنیا

دنیا عبارت است از مجموعه آسمان و زمین و آفریده‌هایی که در آن است، از قبیل: کرات آسمانی، کوه‌ها، صحراها، دریاها، جمادات، نباتات، حیوانات، انسان‌ها و ابزار و امکاناتی که مایه رونق زندگی و تداوم حیات است و چون این مجموعه در برابر جهانی دیگر است که در ورای این عالم قرار دارد و از ما دورتر می‌نماید، از این‌رو، به آن «دنیا» (نزدیک‌تر) می‌گوییم. برخی دنیا را از ماده «دئی» به معنای «شیء پست و بی‌ارزش» می‌دانند که بیش‌تر ناظر به بعد منفی دنیا است.

در آیات و روایات، دنیا، به دو گونه مورد توجه و بحث قرار گرفته است: در بخشی از آیات و روایات از دنیا تعریف شده است و همگان به بهره‌برداری از آن تشویق شده‌اند و در بخشی دیگر، دنیا مذمت و نکوهش شده و انسان‌ها به دوری از آن تشویق شده‌اند.

آیات و روایاتی که دنیا را مورد ستایش قرار داده‌اند:

۱. آیات

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَابْتَغِ فِی مَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛ و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن» (قصص، ۷۷). در این آیه، خداوند افراد را تشویق به کسب مادیات و تحصیل مواهب دنیوی نموده است و به فراموش نکردن دنیا دستور داده است.

در آیه دیگری آمده: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ؛ اوست - خدایی که - زمین را چنان قرار داده که هر گونه تصرفی در آن آسان و ممکن است، پس در زمین پراکنده شوید و در آن از آنچه خداوند روزی شما ساخته است، بجوید» (ملک، ۱۵).

از این آیه نیز مطلوبیت کسب مواهب مادی استفاده می‌شود.

۲. روایات

در احادیث و روایات فراوانی توجه به دنیا و استفاده از آن مطرح شده است که یکی از روایات مهم در این زمینه روایتی است که در نهج البلاغه آمده است. آن حضرت در پاسخ کسانی که دنیا را نکوهش می‌کردند فرمودند: «آن دنیا دار صدق لمن صدقها و دار عاقبة لمن فهم عنها و دار غنی لمن تزود منها و دار موعظة لمن اتعظ بها، مسجد احباء الله و مصلى ملائكة الله و مهبط وحی الله و متجر اولیاء الله اکتسبوا فیها الزحمة و ربحوا فیها الجنة؛ دنیا جایگاه صدق و راستی است، برای آن کس که با آن به راستی رفتار کند و خانه تندرستی است، برای آن کس که از آن چیزی بفهمد و سرای بی نیازی است، برای آن کس که از آن توشه بگیرد، و محل اندرز است، برای آن کس که از آن اندرز گیرد. مسجد دوستان خداست و نمازگاه فرشتگان پروردگار و محل نزول وحی الهی و تجارتخانه اولیاء حق است، آنان در این جا رحمت خدا را به دست آورد، و بهشت را سوای خود قرار داده‌اند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶).

علی علیه السلام در این روایت، دنیا را مورد ستایش قرار داده و تعابیر زیبایی را درباره آن بیان فرموده است. آن حضرت منشاء بسیاری از خیرات و برکات را «دنیا» می‌داند، جایی که فرشتگان الهی در آن رفت و آمد می‌کنند و آن را عبادتگاه خویش قرار داده‌اند؛ جایی که اولیاء خداوند آن را محل کسب و کار خویش قرار داده‌اند.

دنیا محل تجارت امکانات مادی نیز هست؛ انسان‌ها باید برای کسب روزی و معاش خانواده، تلاش کنند و با فعالیت و سعی فراوان، مال حلال به دست آورند و زندگی دنیوی خود را به سامان برسانند و از لذایذ مشروع و حلال آن نیز بهره‌مند شوند. هم‌چنین دنیا محل تهیه زاد و توشه و کسب معارف معنوی برای آخرت نیز محسوب می‌شود.

آن حضرت در حدیث دیگری ضمن تقسیم ساعات مؤمن در دنیا، به ضرورت تأمین معیشت و استفاده از لذت‌های دنیوی اشاره نموده و می‌فرماید: «اوقات مؤمن به سه بخش تقسیم می‌گردد: ساعتی که در آن با پروردگار خویش به راز و نیاز می‌پردازد و ساعتی که معیشت خود را تأمین می‌کند و ساعتی که نفس خویش را به برخورداری از لذت‌های حلال و نیکو مشغول می‌کند و برای خردمند شایسته نیست که جز در این سه کار، مسافرت کند: تأمین معاش، یا بهره‌گیری برای آخرت، یا برخورداری از لذتی که حرام نباشد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰).

از این روایت نیز استفاده می‌شود که بهره‌گیری از دنیا و امکانات مادی برای تأمین معاش خود و خانواده و کسب روزی حلال، به قدر ضرورت و نیاز، مطلوب و پسندیده است و لازم است هر انسانی در دنیا به کار و تلاش بپردازد تا از نعمت‌های دنیوی برخوردار گردد.

حضرت علی علیه السلام در گرمای نیمروز برای رفع نیاز و کسب معیشت بیرون می‌آمد و به کار و تلاش مشغول می‌شد تا خداوند که ناظر بر اعمال است، او را که در طلب رزق حلال خود را به

رنج و زحمت می‌اندازد و از ثمرات تلاش خویش، دیگران را نیز بهره‌مند می‌سازد، ببینند. آن حضرت کسانی را که در دنیا به کار و تلاش نمی‌پردازند و به همین جهت فقیر و مستمند باقی می‌مانند، مورد مذمت قرار داده و می‌فرماید: «از رحمت خدا دور باد کسی که آب و خاک بیابد و فقیر و مستمند بماند» (وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴).

حضرت با این بیان دقیق و متین، در پی تبیین این حقیقت است که فقر و مستمندی، در بیش‌تر اوقات، بر اثر تنبلی و کاهلی خود افراد است که از نعمت‌های الهی در دنیا استفاده نمی‌کنند و از روزی مقرر خود محروم می‌مانند.

با توجه به آیات و روایاتی که بیان شد و نگاه به زندگانی پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام، به ویژه مولای متقیان حضرت علی علیه‌السلام، می‌توان دریافت که «دنیا» می‌تواند مقدمه و زمینه مناسبی برای رشد، تعالی و تقرب به خداوند باشد؛ یعنی هر آن‌چه انسان در دنیا کسب کند، اعم از مادی و معنوی، زاد و توشه‌ای برای سفر آخرت اوست.

پیامبر گرامی اسلام و ائمه علیهم‌السلام نیز از دنیا و نعمت‌های آن استفاده می‌کردند؛ مانند دیگران می‌خوردند، می‌آشامیدند، لباس‌های مناسب می‌پوشیدند، از خانه‌های مناسب استفاده می‌کردند، برای تأمین معاش زندگی خود و خانواده تلاش می‌کردند و از ثمره آن بهره می‌بردند تا نیازمند کسی نباشند. پس بهره‌مندی از لذات و امکانات مادی، به خودی خود نمی‌تواند مذموم و ناپسند باشد.^۱ آیات و روایاتی که دنیا را مذمت کرده‌اند و اهل دنیا را مورد نکوهش و سرزنش قرار داده‌اند:

۱. آیات

خداوند متعال در آیات زیادی دنیا و اهل آن را مورد مذمت و نکوهش قرار داده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- «وما للحیوة الدنیا الاّ متاع الفرور؛ زندگانی دنیا جز کالایی فریبنده نیست» (حدید، ۲۰).

- «وما للحیوة الدنیا الاّ لعب ولهو؛ دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست» (انعام، ۳۲).

- «من کان یرید حرث الدنیا نؤتہ منها وماله فی الاخرة من نصیب؛ هر کس فقط کشت و دنیا را می‌خواهد از آن به او می‌دهیم و در آخرت نصیبی ندارد» (شورای، ۲۰).

۲. روایات

روایات بسیاری نیز در مذمت دنیا وارد شده است که در این‌جا، به تناسب بحث، به برخی از روایات منقول از امام علی علیه‌السلام اشاره می‌نماییم. آن حضرت در مکان‌ها، زمان‌ها و شرایط

۱. در زمینه «ستایش دنیا» می‌توانید به کتاب «موازنه‌ای اسلامی بین دنیا و آخرت» از انتشارات مؤسسه در راه حق مراجعه نمایید.

مختلفی که به دست می‌آمد، نسبت به دنیا و خطرات، زبان‌ها و مشکلات آن هشدار می‌داد و همگان را از عواقب آن بر حذر می‌داشت و خود نیز همان‌گونه زندگی می‌کرد که بر زبان خویش جاری می‌ساخت؛ چنان که در وصیت به امام حسن علیه السلام خود را مذمت کننده دنیا (الدَّامُ لِلدُّنْيَا) معرفی می‌کند.

آن حضرت دلبستگی و علاقه به دنیا را منشاء همه مشکلات و فسادها به شمار آورده و می‌فرماید: «حُب الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ دوست داشتن دنیا سرمنشاء همه خطاهاست» (غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۳۹۵).

در نهج البلاغه نیز، آن‌جا که اصناف مردم را از لحاظ دنیا طلبی و ارتکاب شرّ و فساد معرفی می‌کند، کسانی را که دنیا را هدف خویش قرار می‌دهند، این‌گونه تسخّطه می‌فرماید: «وَبِشِّ الْمَتَجِرِ ان تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثِمْنًا وَمَمَالِكِ عِنْدَ اللَّهِ عَوْضًا؛ چه بد تجارتی است که انسان، دنیا را بهای خویش بیند و به جای نعمت‌ها و رضایت پروردگار در آخرت، زندگی این جهان را برگزیند» (نهج البلاغه، خطبه ۳۳).

ایشان هم‌چنین تأکید می‌کند که این دنیا خانه بین راه است، نه قرارگاه و باید هر چه بیش‌تر از برای آخرت، زاد و توشه فراهم کرد: «إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَّجَازٌ وَالْآخِرَةُ دَارٌ قَرَارٌ فَخُذُوا مِنْ مَمْرُكُم لِمَقْرَمِكُمْ؛ دنیا خانه بین راه است و آخرت خانه همیشگی، پس از این‌جا برای آن‌جا زاد و توشه بگیرید» (همان، خطبه ۱۹۴).

و در حدیث دیگری می‌فرماید: «وَاحذَرِكُم الدُّنْيَا فَإِنَّهَا مَنَازِلٌ قَلْعَةٌ...؛ شما را از دنیا بر حذر می‌دارم، زیرا دنیا جای پایداری نیست» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۲).

آن حضرت دنیا را سرای فنا و نیستی می‌داند که اهل آن باید آن را ترک کنند: «وَالدُّنْيَا دَارٌ مَنِي لَهَا الْفَنَاءُ وَلا هُلْلا مِنْهَا الْجَلَاءُ؛ دنیا سرایی است که فنا و نیستی برای آن و برای اهلش رخت بر بستن مقدر شده است».

علی علیه السلام دنیا را فریبنده‌ای می‌شمارد که نیست و نابود می‌شود و تکیه‌گاهی که رو به خرابی می‌رود: «فَأَنَّ الدُّنْيَا رَتْقٌ مَشْرِبِهَا، رِدْغٌ مَشْرَعِهَا، يُونُقٌ مَنظَرِهَا، وَيُونُقٌ مَغْبِرِهَا، غُرُورٌ حَائِلٌ وَضُوءٌ آفِلٌ وَظِلٌّ زَائِلٌ؛ سرچشمه دنیا تیره و گل آلود است (و در نظر دنیا پرستان) منظره آن شگفت آور است و در زمان امتحان و آزمایش هلاک و تباه می‌سازد و فریبنده‌ای است که نیست می‌شود و روشنی است که پنهان می‌گردد و سایه‌ای است که زایل می‌شود و تکیه‌گاهی است که رو به خرابی می‌رود» (همان، خطبه ۸۲).

امیر مؤمنان در جای دیگری بندگان خدا را به ترک دنیا سفارش می‌کند و آن‌ها را از دلبستگی به آن بر حذر می‌دارد: «عِبَادَ اللَّهِ اَوْصِيكُمْ بِالرِّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةَ لَكُمْ وَاَنْ لَمْ تَحْيُوا تُرْكُهَا؛ بندگان خدا شما را سفارش می‌کنم به ترک این دنیا که شما را (بالاخره) رها می‌کند (و در قیامت سودی

برای شما ندارد) و اگر چه به ترک آن میل نداشته‌اید».

بنابراین، آیات و روایاتی که ناظر به مذمت و نکوهش دنیا است، دنیا را عامل نیرنگ و غرور و فریب و تباهی انسان می‌داند و دنیا مکان موقتی که انسان‌ها فقط برای گذران چند روز حیات از آن استفاده می‌کنند و خود را برای سفری مهم‌تر و ابدی آماده می‌سازند.

«دنیا» با داشتن انواع امتحانات و مشکلات و خطرات و آسیب‌ها، محل امنی برای سکونت دائمی نیست و همانند مسافر خانه‌ای است که مسافر آن، چند روزی برای رفع خستگی و تقویت جسمی خویش در آن می‌ماند و هنوز بار سفر بر زمین نگذاشته، کاروان سالار فریاد بر می‌آورد که بار سفر بر بندید تا به سوی مقصد اصلی رهسپار گردیم.

به تعبیر امام علیه السلام دنیا همانند ماری است که پوست‌اش نرم و در اندرونش زهر کشنده است؛ فریب خورده نادان به طرف آن می‌رود و خردمند دوراندیش، از آن دوری می‌گزیند (همان، حکمت ۱۱۵). پس باید با تأمل و تفکر و خردورزی با دنیا برخورد کرد و خود را از خطرات و سموم آن محفوظ نگه داشت. دنیا محل سرگرمی و تفریح است و بازیچه‌ای بیش نیست و نمی‌توان به این سرگرمی و بازیچه دل بست و همه تلاش‌ها و فعالیت‌ها را مصروف آن نمود.

مقایسه آیات و روایات نقل شده

از دو نوع نگرشی که در مورد دنیا به آن اشاره شده است، می‌توان نکات مؤثر و مفیدی برای رشد و هدایت و تربیت خود و دیگران استخراج نمود. اما چرا در یک جایی «دنیا» مورد ستایش و تمجید قرار می‌گیرد و در جای دیگر مورد مذمت و نکوهش؟ پاسخ این سؤال را می‌توان از توجه به آیات و روایاتی که ذکر شد و مراجعه به آیات و روایات دیگر و نیز استفاده از فرهنگ اصیل اسلامی و جهان‌بینی آن پیدا نمود.

در جهان‌بینی اسلامی که بر اساس توحید استوار است، نه چیزی «بد مطلق» است و نه آفرینش، پوچ و بی‌هدف آفریده شده است. علی علیه السلام نیز کسانی را که دنیا را مذمت می‌کردند به شدت مورد نکوهش قرار داده است.

بنابراین، زشت دانستن دنیا و بدگویی از آن، با جهان‌بینی توحیدی اسلامی و منطق قرآن و نهج‌البلاغه سازگار نیست. اما باید توجه داشت که مذمت دنیا، مربوط به علاقه و دلبستگی و وابستگی شدید به آن است، نه اصل آن؛ طوری که اگر تراحمی میان دنیا و آخرت پیش آید و دنیا مورد توجه قرار گیرد و حق، عدالت و خداوند طرد شوند و دنیا به منزله هدف تلقی شود نه وسیله و خانه گذر، این امر مورد نکوهش خواهد بود.

در قرآن و روایات آمده است که اگر زن و فرزند و مال و ثروت و مقام شما باعث شود که از «یاد خدا» غافل شوید و به آن‌ها دلبسته گردید، با این عمل خشم خدا را بر خود خواسته‌اید و از خداوند دوری جسته‌اید (توبه، ۲۴).

بنابراین هدف بودن دنیا، در روایات و آیات امری ناپسند به شمار آمده است و خداوند به پیامبر خویش دستور می‌دهد: «فَاعْرِضْ عَمَّنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يَرِدِ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛ از کسانی که از یاد ما روگردانده و جز به زندگی دنیا نمی‌اندیشند روگردان» (نجم، ۲۹).

علی علیه السلام نیز بهره‌مندی از مظاهر زندگی دنیا را در جهت اطاعت پروردگار و خدمت به خلق خدا و فراهم کردن زاد و توشه آخرت، مطلوب شمرده و دنیا را محل تجارت اولیای حق می‌داند (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶).

در این جا مناسب است به برخی از پیامدها و آثار دل‌بستگی و عدم دل‌بستگی به دنیا و اثرات تربیتی آن اشاره شود.

پیامدهای منفی دل‌بستگی به دنیا

دل‌بستگی به دنیا، بزرگ‌ترین عامل انحراف و سقوط آدمی از مسیر انسانیت، تقوا و عدالت است؛ کسانی که تمام همت و تلاش خویش را مصروف دنیای پست و بی ارزش کنند و به فکر جمع آوری مال و ثروت و کسب جاه و مقام باشند و تنها لذایذ مادی را برای خود برگزینند و دنیا را محل کسب و کار مادی خویش قرار داده، و از آخرت غفلت کنند، دچار خسران بزرگی شده‌اند. علی علیه السلام خطاب به دنیاپرستان می‌فرماید: «مَا بِالْكُمْ تَفْرَحُونَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الدُّنْيَا تَدْرِكُونَهُ وَلَا يَحْزَنُكُمْ الْكَثِيرُ مِنَ الْآخِرَةِ تَحْرَمُونَهُ؛ چه شده است شما را که اندکی از دنیا را که می‌یابید شاد می‌شوید و بسیاری از آخرت را که محروم مانده از دست می‌دهید شما را اندوهناک نمی‌کند» (همان، خطبه ۱۱۲).

دنیاپرستان و دل‌بستگان به آن، زبان‌هایی را متحمل می‌شوند که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. یأس، ناامیدی و اضطراب حاصل از دنیاطلبی

دنیاپرستان به تمام آن‌چه که در دنیا طلب می‌کنند نمی‌رسند (همان، خطبه ۸۱) و این مسئله موجب تشویش خاطر، نگرانی، ناراحتی، اضطراب و افسردگی آن‌ها می‌شود. آن‌ها از روح و روان نامتلاطم و ناآرامی برخوردارند و مرتب در ترس و اضطراب و ناکامی به سر می‌برند و تمامی حیل‌ها و نیرنگ‌های خویش را برای کسب مظاهر دنیوی به کار می‌گیرند و خود را پذیرای هرگونه سختی و بی‌آبرویی می‌سازند تا اندکی روان خویش را آرام سازند و وقتی با همه تلاش‌ها و فریب‌ها موفق به کسب آن نگردند، دنیا در نظرشان بی ارزش و پست تلقی می‌شود و دچار یأس و ناکامی می‌گردند و خود را به انواع مخدرات و منکرات نزدیک می‌کنند تا با وسایل مصنوعی آرامش یابند. آن‌ها نه تنها دنیا را از دست داده‌اند، بلکه آخرت خویش را نیز به بهای اندک فروخته‌اند (خسرالدنیا والآخره).

۲. برخورداری از تفکر و اندیشه ناقص

از آن‌جا که امور مادی محدود است، کسانی که تمام تلاششان به دست آوردن این امور است،

از جهت تفکر و اندیشه در سطح پایینی قرار دارند. آنها تمامی استعدادها و توانایی‌های خود را در این راه صرف می‌کنند و از تفکر و اندیشه درباره امور برتر و بالاتر محروم می‌مانند. چنین کسانی گاه از درک امور بسیار جزیی معنوی و خارج از مسایل مادی عاجزند و تمامی عقل و خرد خود را معطوف امور پست و فانی کرده‌اند.

علی علیه السلام در مورد دنیاپرستان می‌فرماید: «قدر خورقت الشهوات عقله واماتت الدنيا قلبه وولعت عليها نفسه فهو عبد لها؛ خواهش‌های بیهوده عقل او را دریده و دنیا دلش را میرانده و شیفته خود نموده است؛ پس او بنده دنیاست» (همان، خطبه ۱۰۸).

۳. عدم رسیدگی به تربیت خود، خانواده و فرزندان

از آن‌جا که افراد دنیاطلب فقط به فکر مال و ثروت و مقام هستند، بیش‌تر وقت خود را در این راه صرف می‌کنند و به تربیت و رشد خود و خانواده و فرزندان خویش اهمیتی نمی‌دهند. ابزار و امکانات مادی را برای لذت و خوشی آن می‌خواهند و حاضر به تن دادن به امور سخت و مشکل و محدودیت‌های تربیتی و اخلاقی نیستند و حتی در بسیاری از اوقات، به مقابله و مبارزه با آنها برمی‌خیزند تا منافع مادی خویش را از دست ندهند. اما هر آن‌چه را که کسب می‌کنند، فرزندان ناخلف آن‌ها بر یاد می‌دهند (همان).

علی علیه السلام در توصیف این افراد می‌فرماید: «وكانَّ الرَّشِدُ في احراز دنیاها...؛ و گویا هدایت و رستگاری آنان در گرد آوردن (متاع) دنیاست (نه برای تحصیل و زاد و توشه آخرت)» (همان، خطبه ۸۲).

۴. ترس از فقدان مادیات

کسانی که با زحمت بسیار مال و ثروتی اندوخته‌اند، به راحتی قادر به دست کشیدن از آن نیستند. آنها حتی گاهی برای معالجه خود و همسر و فرزندان خویش، به هزاران وسیله متوسل می‌شوند تا از مال خویش مایه‌ای نگذارند و وقتی مجبور به خرج کردن آن هستند، در افسردگی شدید و ترس از فقر و نداری به سر می‌برند و دچار عوارض مختلف روحی و جسمی می‌شوند. این افراد با اندک تغییری که در زندگی مادی‌شان ایجاد می‌شود، دچار اختلالات روانی شدیدی می‌شوند و قادر به کنترل خویش نیستند. در بسیاری از موارد نیز دست به خودکشی می‌زنند و آبروی چندین ساله خویش را در دنیا و نزد مردم از دست می‌دهند.

علی علیه السلام در مورد افرادی که در هنگام مرگ به یاد اموال خویش می‌افتند و بر گذشته‌های خویش حسرت می‌خورند می‌فرماید: «وینتکر اموالاً جمعها؛ اغمض فی مطالبها واخذها من مصرحاتها ومشتبهاتها؛ و به یاد می‌آورد اموالی را که گردآوری کرده و برای به دست آوردن آن‌ها (از حلال و حرام) چشم پوشیده، و آن‌ها را از جاهایی که (حلیت و حرمت آن) آشکار و مشتبه بوده به دست آورده؛ به تحقیق به زبان‌های جمع آوری آن اموال دچار گشته، و بر جدایی از آن‌ها مطلع گردیده...» (همان، خطبه ۱۰۸).

دل کندن از اموال، برای دنیاپرست همانند جان کندن است؛ او به یاد گذشته‌ها و اعمالی که برای به دست آوردن این گونه امکانات انجام داده می‌افتد و بر آن‌ها حسرت می‌خورد.

۵. بی بهره بودن از آرامش روحی و روانی

بسیاری از امور یا مادیات حاصل نمی‌شود. سلامتی جسم و روان، در بسیاری از مواقع، مربوط به یک رشته از فعالیت‌های ذهنی و روانی و شرایط حاکم بر زندگی انسان است. اندوختن ثروت زیاد و دلبستگی به آن، نمی‌تواند آرامش روحی و روانی و حتی جسمی انسان را تأمین کند. بسیاری از زیبایی‌ها، از جمله زیبایی و جمال معنوی، با مادیات قابل درک و فهم نیست و دلبسته بودن به دنیا، موجب محروم شدن از این گونه امور معنوی است؛ اموری که موجبات آرامش روحی و روانی افراد را فراهم می‌سازد. روی آوردن بسیاری از جوانان و نوجوانان به انواع موسیقی‌ها، هنرهای کاذب، فیلم‌ها و نوارها و رقص‌ها و... برای تأمین یک رشته نیاز است که با معنویات تأمین نشده است. هر چه فرد غرق در مادیات و این امور شود، باز احساس خلأ معنوی شدید می‌کند و همیشه افسرده و سرگردان باقی می‌ماند و سعی می‌کند با روی آوردن به وسایل و امکانات مدرن، خود را از این مشکل و بحران برهانند؛ ولی توجه ندارد که وسایل مادی محدود است و نیازهای روحی و معنوی نامحدود و جز با تکیه بر ذات اقدس الهی قابل تدارک و جبران نیست و در این راه باید به پناهگاه امن الهی روی آورد و خود را نجات داد.

علی علیه السلام در مذمت دنیا می‌فرماید: «دار بالبلاء محفوفة؛ دنیا سرایی است که آن را غم و اندوه فراگرفته است». ایشان هم چنین درباره سفارش به تقوای الهی و پناه بردن به خدا می‌فرماید: «فان تقوی الله دواء داء قلوبکم... وامن فزع جاشکم...؛ تقوا و ترس از خدا، داروی درد قلب‌ها و بینایی کوری دل‌ها و ایمن کننده ترس دل شماست» (همان، خطبه ۱۸۹). «والیه مرا می‌مفزعم؛ و پناه و گریزگاهتان اوست» (همان).

۶. از دست دادن محبت الهی

بزرگ‌ترین خسارتی که اهل دنیا و وابستگان به آن می‌بینند از دست دادن لطف و محبت الهی است. آن‌ها با بعضی اعمال خود خشم الهی را برای خود به جان می‌خورند و به عذاب الهی در دنیا و آخرت گرفتار می‌شوند. بسیاری از بلاها و سختی‌های دنیا می‌تواند به عنوان مکافات عمل افراد محسوب شود.

علی علیه السلام می‌فرماید: «واعلموا ان مانقص من الدنيا زاد فی الاخرة خیر مما نقص من الاخرة؛ و بدانید آن‌چه از دنیا کم برسد و در آخرت زیاد باشد بهتر است از آن‌چه در آخرت کم باشد و در دنیا زیاد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳). و در جای دیگر می‌فرماید: «فان الله سبحانه قد جعل الدنيا لما بعدها؛ خداوند دنیا را به خاطر آخرت خلق نمود» (همان، نامه ۵۵).

کسانی که همه تلاش خویش را برای حفظ منافع و مطامع مادی به کار می‌اندازند و هیچ زاد و

توشه‌ای برای آخرت خود تهیه نمی‌کنند، در آخرت از لطف و رحمت الهی محروم خواهند شد. آنها در بسیاری مواقع، خشم الهی را بر خود می‌خورند و در عذاب او جاودان باقی می‌مانند. توجه و دقت در پیامدهای دلبستگی و وابستگی به دنیا، می‌تواند اثرات تربیتی زیادی را در فرد و جامعه پدید آورد. با الهام از کلام مولا و با اندیشیدن کافی، می‌توان جایگاه دنیا را در عرصه هستی شناخت و نسبت به وظایف و تکالیف خویش درباره دنیا و امور آن آگاه شد و از افراط و تفریط در این مسئله بر حذر بود.

در یک کلام می‌توان گفت که وابستگی به دنیا، انسان را نسبت به خود و خدای خود و اطرافیان غافل می‌کند، او را سرگرم امور بی پایه و بی ارزش می‌نماید، زمینه‌های سقوط و انحراف او را فراهم می‌سازد و از پیشرفت و رشد و هدایت محروم می‌نماید. خداوند می‌فرماید: «فمن اعرض عن ذکری فان له معیشتة ضنکاً؛ کسی که از یاد خدا غافل بماند و اعراض کند در دنیا زندگی سخت و مشقت باری خواهد داشت».

اثرات تربیتی عدم وابستگی به دنیا

اما کسانی که دنیا را به عنوان وسیله قرار داده‌اند نه هدف و آن را برای تأمین سعادت اخروی خویش می‌خواهند، بهره‌های فراوانی را از این رهگذر نصیب خویش خواهند نمود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. استفاده از دنیا برای خدمت به مردم

کسانی که دنیا را وسیله قرار داده‌اند و از آن دل شسته‌اند، از نعمت‌های الهی در دنیا به اندازه‌ای که نیاز دارند بهره می‌برند؛ یعنی به اندازه‌ای که بندگی خدا را انجام دهند و به خلق او کمک نمایند. آنها در دنیا به فقرا و مستمندان و یابرهنگان و گرسنگان مدد می‌رسانند و آن‌ها را از وضعیتی که دارند نجات می‌دهند؛ دنیا را برای دنیا می‌خواهند و با این عمل، هم رضایت خداوند را جلب می‌کنند و هم بندگان او را از خود راضی می‌نمایند و در نتیجه رضایت و خشنودی حضرت حق را کسب می‌کنند.

علی علیه السلام نیز از نعمت‌های الهی بهره می‌جست، و با کار و تلاش مستمر خویش به فقرا و مستمندان یاری می‌رساند و بردگان را آزاد می‌ساخت؛ چنان که نقل است آن حضرت هزار برده را با دسترنج خویش آزاد فرمود (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲).

آن حضرت ضمن دعوت مردم به خداپرستی و انجام کارهای نیک در دنیا، همگان را به آماده بودن برای سفر آخرت امر می‌فرماید: «وبادروا اجالکم باعمالکم... فتزودوا فی الدنیا من الدنیا ما تحرزون به انفسکم غدا؛ به سبب کردار خود بر مرگ خویش پیش دستی کنید (در زندگی نیکو کردار باشید تا پس از مرگ ایمن گردید و اعمال صالحه را که برای شما باقی می‌ماند کسب نمایید نه چیزی که از گفتن می‌رود... پس در دنیا از دنیا توشه بردارید تا خود را برای فردای

قیامت از عذاب الهی برهانید» (نهج البلاغه، خطبه ۶۳).

عدم وابستگی به مادیات، انسان را آزاده بار می آورد و طعم شیرین انفاق و احسان و ایثار و کمک به دیگران را به او می چشاند و برای فردای او زاد و توشه ای فراهم می سازد و در دنیا نیز از آثار مثبت او را بهره مند می سازد.

۲. بهره برداری صحیح از دنیا

دل بستگی به دنیا موجب هدر رفتن عمر آدمی است، زیرا وابستگان به دنیا، تمام تلاش خویش را صرف جمع آوری مال و ثروت می کنند و حرص و طمع افزایش مال و ثروت در آن ها، هر روز افزوده می گردد. آنها از هیچ گونه ظلم و ستم و تجاوزی نسبت به حقوق دیگران نیز ترس ندارند. کسانی که دل بسته دنیا نیستند از این آفات دنیایی که عذاب آخرت را به دنبال دارد، نجات پیدا می کنند و به اندازه ای که قصد دارند در دنیا بمانند به همان اندازه از امکانات و مواهب دنیوی برخوردار می شوند. در این باره، حدیثی را از امام علی علیه السلام می آوریم؛ امام می فرماید: یکی از نشانه های برخورداری از علم و آگاهی در دنیا، این است که: «به اندازه ای که در دنیا می خواهید زندگی کنید تلاش نمایید و به اندازه ای که قصد دارید در آخرت بمانید سعی کنید».

آن حضرت ضمن اشاره به محدود بودن دنیا و نامحدود بودن و جاودان بودن آخرت، همگان را به این نکته متوجه می کند که افراط در دنیا طلبی و حرص نسبت به دنیا، جز سنگین کردن بار سفر آخرت، سود دیگری ندارد و آنچه مطلوب است، تلاش برای آخرت است. زندگی سراسر افتخار آن امام همام نیز گواه صادقی بر این مطلب است.

۳. بی توجهی به غم ها و شادی های زودگذر

زمانی که انسان وابسته به دنیا نباشد و دنیا را دار فانی بداند، با از دست دادن مظاهر دنیوی اندوهگین نمی شود و با به دست آوردن آن ها نیز خود را نمی بازد و دل بسته نمی گردد. او دنیا را فقط برای خدا می خواهد؛ زیرا زن و فرزند و مال و ثروت و مقام اگر برای جلب رضایت الهی باشد مفید و مطلوب است و گرنه جز وزر و وبال چیز دیگری نیست. در این باره علی علیه السلام می فرماید: «الزهد کله بین کلمتین من القرآن: قال الله سبحانه: (لکیلا تأسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا بما آتاکم) ومن لم یس علی الماضي ولم یفرح بالآتی فقد اخذ الزهد بطرفیه؛ تمام زهد و پارسایی بین دو کلمه از قرآن است: خداوند سبحان فرموده: (هرگز بر چیزی که از دستتان رفته، اندوه مخورید، و بر آنچه به شما داده می شود شادی نکنید) و کسی که برگزیده افسوس نخورد و به آینده شاد نگشت، زهد را از دو سمت آن (بی اعتنایی به گذشته و عدم سرور به آینده) دریافته است» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۱).

بنابراین، برخورداری یا عدم برخورداری از مال و ثروت و امکانات، برای کسی که وابستگی به آن نداشته باشد، ابزار و وسیله ای بیش نیست که با از دست دادن آن نیز متحیر و ناامید نخواهد شد.

۴. برخورداری از آرامش قلبی و قدرت روحی

برخورداری از آرامش وطمأنینه قلبی و قدرت روحی از نشانه‌های اهل آخرت است. کسانی که دنیا را مزرعه و کشتزار آخرت می‌دانند و بندگی خدا را وجهه همت خویش قرار داده‌اند و خدا را در همه حال ناظر و آگاه بر اعمال خویش می‌دانند و تقوای الهی را رعایت می‌نمایند، از آرامش روحی و روانی بالایی برخوردارند که دنیاطلبان نه تنها از آن محروم‌اند، بلکه هیچ‌گاه قابلیت درک آن را نیز نداشته و از فهم آن درمانده‌اند.

علی علیه السلام می‌فرماید: «فان الدنيا لم تخلق لكم مقام، بل خلقت لكم مجازا لتزودوا منها الاعمال الی دار القرار؛ دنیا برای اقامت و باقی ماندن شما خلق نشده، بلکه گذرگاهی است تا از آن توشه‌ای از اعمال را برای قرارگاه همیشگی (آخرت) بردارید» (همان، خطبه ۱۳۲).

کسانی که به آخرت می‌اندیشند در دنیا با انجام عبادات و ترک گناهان و کمک به خلق خدا، ضمن جلب رضایت حضرت حق، از آرامش روحی و روانی لازم برخوردار می‌شوند و در مواجهه با مشکلات و مصائب نیز دارای قدرت روحی فوق‌العاده‌ای هستند و سختی‌ها را بر خود هموار می‌کنند و آن‌ها را زمینه ساز رشد و تعالی خویش می‌دانند.

علی علیه السلام می‌فرماید: «علیک بذكر الله فانه نور القلوب؛ میزان آرامش قلبی هر کسی متناسب با میزان توجه او به خداوند است». دل‌هایی که از خدا غافل‌اند، به سان زورقی هستند بر سطح دریا که با کوچک‌ترین نسیمی به حرکت درآمده و با اولین موجی که بر می‌خیزد غرق می‌شود. اما کشتی‌های بزرگی که خود را به پایگاه محکمی بسته‌اند، با شدیدترین طوفان‌ها هم به تلاطم نمی‌افتند و از جای خود تکان نمی‌خورند.

۵. برخورداری از سلامت جسمی و روانی

بهره برداری از امکانات مادی، تجعاتی را برای جسم و روح آدمی به دنبال دارد. می‌توان گفت کسانی که از مواهب دنیوی به اندازه نیاز بهره می‌گیرند، از سلامت جسم و روان برخوردارند و از بسیاری بیماری‌های مزمن و خطرناک مصون و محفوظ می‌مانند. در خوردن و آشامیدن و مسکن و لباس، حد اعتدال و میانه‌روی را رعایت می‌کنند؛ در امور شهوانی و جنسی افرات را نمی‌کنند؛ از قوای جسمی خویش بیش از اندازه معمول و معقول استفاده نمی‌کنند و به کارهای سخت و مشقت‌زا تن نمی‌دهند؛ بهداشت جسمی را رعایت می‌کنند و خود و خانواده و جامعه را از رعایت مسایل بهداشتی و سلامت روانی بهره‌مند می‌سازند.

اما کسانی که دلبسته دنیا هستند، از تمنیات و خواهش‌های نفسانی بیش از حد پیروی می‌کنند و برای اینکه دوباره سلامتی خویش را به دست بیاورند، به‌طور افراطی از داروها و حتی مواد مخدر بهره می‌گیرند؛ آن‌ها نمی‌دانند که با رعایت دستورات الهی می‌توان سلامتی جسمی و روانی خویش را تضمین و تأمین نمود.

علی علیه السلام می فرماید: «انظروا الی الدنیا نظر الزاهدین فیها...؛ به دنیا نظر کنید، همانند نگاه کردن کسانی که از آن اعراض و دوری نموده‌اند» (همان، خطبه ۱۰۲).

آن حضرت هم چنین می فرماید: «من زهد فی الدنیا استهان المصیبات؛ هر که در دنیا پارسا باشد اندوه‌ها را سبک می‌شمارد» (همان، حکمت ۳۰).

رعایت اعتدال و میانه روی در زندگی را باید از ائمه علیهم السلام و به ویژه مولای مستقیان و امیر زاهدان و عابدان آموخت و به آن‌ها اقتدا نمود آنها با وجود این‌که از کم‌ترین غذاها استفاده می‌کردند، در میدان کارزار و جهاد نیرومندترین افراد بودند و به اندازه چندین نفر تلاش و مجاهده و مبارزه می‌کردند.

۶. تربیت فرزندان

رسیدگی به امور خانواده، از جمله تربیت فرزندان برای تأمین سعادت دنیا و آخرت آنان، از ویژگی‌های کسانی است که وابسته به دنیا نیستند و همه چیز را برای سرای دیگر مهیا و آماده می‌سازند. آنان فقط به فکر غذا و مسکن و ازدواج فرزندان خویش نیستند، بلکه تربیت آنان را سرلوحه تمامی کارهای خود قرار داده و از تمامی امکانات و ابزارهای مادی و زمینه‌ها و شرایط موجود، برای پرورش روحی و عاطفی و اخلاقی آنان بهره می‌گیرند.

امام علی علیه السلام در نامه ارزشمند و جامع الاطراف به امام حسن علیه السلام، در هنگام بازگشت از جنگ «صفین» مباحث مختلفی را در مورد عوامل رشد و تکامل آدمی در زمینه‌های عقیدتی و اخلاقی و سیاسی و اجتماعی (برای تربیت فرزند خویش و همه کسانی که در آینده می‌خواهند فرزندان خود را تربیت نمایند)، مطرح می‌سازند (نامه ۳۱ نهج البلاغه). آن حضرت بارها مسئله تعلیم و تربیت فرزند را از ضروریات زندگی انسان دانسته‌اند و وظیفه والدین را در این باره یادآور شده‌اند و خود الگوی مناسبی برای تربیت فرزند به شمار می‌آیند.

بنابراین اهتمام به تعلیم و تربیت فرزندان از نشانه‌های کسانی است که دنیا را درک کرده و فقط به فکر مطامع و لذایذ زودگذر دنیوی نیستند، بلکه در صدد باقی گذاشتن باقیات صالحات و برخوردار شدن از نتایج آن‌ها در دنیا و آخرت هستند.

۷. کسب لذایذ معنوی

دنیاپرستان فقط لذات مادی را درک کرده و به سراغ آن‌ها می‌روند و از درک لذایذ معنوی محروم هستند، اما کسانی که شناخت صحیحی از دنیا و لذایذ دنیوی دارند، می‌دانند که ارزش لذایذ معنوی هزاران برابر بیش‌تر از لذایذ مادی است؛ زیرا اولاً لذایذ مادی محدود است، ثانیاً زودگذر و فانی است، ثالثاً تبعاتی را نیز به دنبال دارد و چه بسا در بسیاری از اوقات موجبات بیماری و حتی مرگ کسی را فراهم سازد و یا آبروی کسی را به خطر اندازد؛ به خلاف لذایذ معنوی که انسان هم در دنیا از آن بهره‌مند است و هم در آخرت از ثمرات آن بهره‌های فراوان

می‌گیرد. کسی که در دنیا جان کسی را از مرگ نجات دهد لذت آن، را با هیچ چیز دیگری عوض نمی‌کند؛ کسی که خانواده‌ای را از فقر و فلاکت نجات دهد، لذات آن را با هیچ لذت دیگری معاوضه نمی‌نماید، کسی که لذت انس با خدا و یاد او را چشیده شد، تمام دنیا را به لحظه‌ای راز و نیاز و مناجات با خدا نمی‌پذیرد و حاضر به معامله آن نیست.

علی علیه السلام درباره رنج و خوشی دنیا فرموده است: «مرارة الدنيا حلوة الاخرة وحلاوة الدنيا مرارة الاخرة؛ تلخی (رنج به خود هموار کردن) دنیا شیرینی (نیک‌بختی) آخرت است و شیرینی (دل‌بستگی به لذت) دنیا، تلخی (عذاب و کیفر) آخرت است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۳)؛ زیرا رنج‌ها و مشکلات را تحمل کردن و آن‌ها را به خاطر سعادت اخروی بر خود هموار ساختن، مستلزم تلاش مضاعف است که به لذت و خوشی و ثواب و پاداش آن سرا می‌انجامد، اما دل‌بستگی به لذت و خوشی دنیا، مستلزم غفلت از آخرت و ترک عمل و کار برای آن است که با تلخی عذاب و کیفر پایان می‌یابد.

به هر حال، توجه به لذات معنوی و پایداری آن، انسان را از ارتکاب بسیاری از اعمال ناپسند و پست دنیا، باز می‌دارد و موجب پرورش روحی و اخلاقی او شده، زمینه سعادت اخروی او را مهیا می‌سازد. مروری کوتاه بر زندگانی امیر مومنان علی علیه السلام درس‌های بزرگی به ما می‌آموزد. آن حضرت به راز و نیاز و مناجات با حق تعالی مبادرت می‌ورزید و هیچ‌گاه از عمل خویش خسته و درمانده نمی‌شد. راز و نیازهای شبانه آن حضرت در منزل و نخلستان، زیارت‌عام و خاص است و اگر لذت معنوی انس و تقرب به خدا نبود، به یقین این همه سعی و تلاش برای کسب رضایت خداوند، از آن امام همام و سایر ائمه مشاهده نمی‌شد.

۸. جلب رضایت الهی

آن‌گاه که هدف خلقت برای انسان آشکار شود و راه پیمودن مسیر الهی برای انسان روشن گردد، به یقین، آدمی جز به آنچه که او را به هدف می‌رساند و رضایت خالق را در پی دارد، رضایت نمی‌دهد و جز در آن راه به راه دیگری گام نمی‌گذارد. توجه به دنیا و آثار و تبعات و شرایط آن و وسیله قرار دادن دنیا برای پیمودن راه پرپیچ و خم و دشوار زندگی، می‌تواند وسیله‌ای برای نجات انسان از گرداب‌های خطرناک دنیا و رسیدن به وصال و قرب الهی قلمداد شود. یکی از ثمرات و آثار مثبت این دیدگاه، این است که انسان همیشه در صدد جلب نظر الهی است و از گناهان و معاصی و نافرمانی خداوند دوری می‌جوید؛ امری که در زندگانی مولای متقیان بارها و بارها مشاهده شده است.

آن حضرت در انجام عبادات الهی هیچ‌گونه کوتاه‌نمی‌کردند و آن‌جا که نهی الهی بر آن استوار بود، قاطع و جدی در مقابل آن ایستادگی می‌نمودند؛ چنان‌که در مقابل «عقیل» در مسئله تقسیم بیت‌المال مقاومت کردند و او را از این کار بازداشتند.

نتیجه گیری

از مباحثی که گذشت، نکاتی استفاده می شود که می تواند در رشد و هدایت انسان ها مؤثر افتد و با توجه به آنها، همگان به حقایق دنیا بیش از پیش پی برده و از زاویه جدیدی به دنیا بنگرند و آن را وسیله (و نه هدف) خویش قرار دهند.
نگاه به دنیا دو گونه است:

نگاه اول. اگر دنیا به عنوان وسیله و ابزاری جهت رشد و هدایت آدمی نگریسته شود و از مظاهر و مواهب و امکانات مادی و دنیوی به اندازه ای که بتوان در دنیا عبادت و بندگی خدا را انجام داد و زاد و توشه ای برای آخرت فراهم نمود، استفاده شود، می توان گفت که دنیا مکان مناسبی برای کسب و تجارت مواهب معنوی و زمینه ساز سعادت اخروی انسان است و به تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله، دنیا مزرعه و کشتزار آخرت است. چنان که علی علیه السلام نیز فرموده اند: دنیا محل تجارت اولیاء خداست و می توان با آن، بهشت و همه خیرات و برکات اخروی را به دست آورد.

نگاه دوم. اگر به دنیا به عنوان هدف نگریسته شود، که موجب غرور و گمراهی و سرگرمی افراطی آدمی می شود و او را از سرای باقی و مقر اصلی باز داشته و از یاد خدا غافل می سازد؛ این نگاه به یقین مورد مذمت و نکوهش شدید اسلام است و همین امر موجب شده است که امام علی علیه السلام در بسیاری از خطبه ها و جملات خویش، به نکوهش دنیا پردازد و افراد را از آن بر حذر دارد. این دو نوع نگرش و بینش نسبت به دنیا، آثار و تبعاتی را به دنبال دارد. کسانی که تمامی عمر و استعداد های خدادادی خویش را صرف دنیای دون و پست می نمایند، به یقین به بسیاری از مشکلات و بلاها و بیماری ها دچار می شوند و از درک بسیاری از حقایق و فضایل محروم و بی نصیب می مانند.

بنابراین نوع بهره مندی از دنیا به نوع نگرش و دیدگاه انسان بستگی دارد و از آن جا که حس و عقل بشری از ارایه یک نگرش و دید و جهان بینی درست و دقیق عاجز است، در این راه جز توسل به وحی راه دیگری تصور نمی شود. استمداد از گفتارها و کردارهای انبیاء و اولیاء دین، به ویژه ائمه اطهار علیهم السلام، می تواند راهنمای بسیار مناسبی برای راه یابی و هدایت به حقایق هستی به شمار آید. در این میان بیانات گهربار حضرت امام علی علیه السلام امیر مؤمنان و مولای متقیان و پرهیزگاران و زندگانی سراسر پرافتخار آن امام همام، الگو و سرمشق بسیار زیبایی را در اختیار بشریت قرار می دهد. کسی که خود به سلامت از راهی گذشته باشد، به یقین می تواند دیگران را نیز به آن راه هدایت و راهنمایی نماید.

حضرت علی علیه السلام دنیا را به عنوان گذرگاه و مکان موقتی می داند که مسافران سفر ابدیت، چند روزی را در آن جا به استراحت و سرگرمی می پردازند و آن گاه به سرای ابدی و جاودان سفر خواهند نمود.

دنیا محل کسب و کار است و آخرت محل حساب رسی و پاداش و کیفر: «وطوبی للزاهدین فی

الدُّنْيَا الرَّزَاقِيْنَ فِي الْآخِرَةِ؟ و خوشا به حال کسانی که نسبت به دنیا زهد می‌ورزند و خواهش‌های نفسانی را ترک می‌نمایند و شوق و رغبت به آخرت دارند و برای آخرت زاد و توشه در دنیا تهیه می‌نمایند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۱). علی علیه السلام در این رابطه، می‌فرماید: «رَحِمَ اللهُ اِمْرًا تَفَكَّرَ فاعْتَبِرْ؛ خدا رحمت کند مردی را که در (امر دنیا و مبدأ و معاد خویش) اندیشه کند و عبرت گرفته (به ناپایداری دنیا) بینا شود و باور نماید که آن‌چه از دنیا باقی است، نابود می‌شود و آن‌چه از آخرت موجود است زوال‌ناپذیر و همواره بوده است».

آری به تعبیر امام علی علیه السلام راه دنیا با راه آخرت متفاوت است و این دو با هم دشمن هستند. دنیا مکانی است که سعادت و شقاوت آدمی در آن رقم زده می‌شود و در آخرت جای هیچ‌گونه تلاش و عملی نیست؛ در آن‌جا فقط انسان‌ها پاداش و کیفر اعمال خود را مشاهده می‌کنند و باید پاسخ‌گوی اعمال خود در دنیا باشند. پس او باید مواظب اعمال و رفتار و کردار و گفتار خویش باشد، تا به سلامت از این دار ممر (گذرگاه) به سوی مقر اصلی کوچ نماید. انسان عاقل و فکور با درک واقعیات زندگی و دنیا می‌تواند بهره‌های فراوانی را از دنیا کسب کند و همین درک و فهم او، آثار زیادی را در تربیت او بر جای می‌گذارد.

اگر بینش و نگرش آدمی نسبت به دنیا و آخرت تغییر کند، و بداند که دنیا وسیله است نه هدف، و دنیا گذرگاه است نه قرارگاه، هم‌چنین عمر آدمی محدود است و زندگی ابدی نامحدود، و به حال گذشتگان و اجداد خویش رجوع کند و از آن‌ها باخبر شود، در می‌یابد که در کارهای خویش باید تجدید نظر کند و خود را برای یک سفر بسیار طولانی و جاویدان آماده سازد و بیش از این خود را مشغول به این دنیا نکند؛ زیرا دنیا جز سرگرمی و بازیچه و به جز وسیله فریب و نیرنگ چیزی دیگری نیست و او باید به مقر اصلی خویش مراجعه کند: «انالله وانا اليه راجعون». انسان با تکیه بر مبدأ لایزال الهی می‌تواند آینده روشنی داشته باشد؛ او می‌تواند در دنیا به تربیت و پرورش خود و خانواده‌اش همت گمارد، از ابزارهای دنیا برای تخلق به اخلاق الهی بهره جوید، از دین و احکام نورانی آن دفاع نماید و به اعمال صالح مبادرت ورزد و سعادت دنیا و آخرت خود و دیگران را فراهم سازد. او می‌تواند با تاسی و توسل به مقربان درگاه الهی زمینه‌های رشد و تربیت خویش را همانند آنان فراهم سازد و انبیا و اولیا، به ویژه پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام و بالاخص امام علی علیه السلام از جمله مهم‌ترین کسانی هستند که می‌توانند الگو و سرمشق او در این راه باشند.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی